

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان بر اساس نظریه پخش

دکتر حسن کامران^۱، دکتر افشین متقی^۲، فاطمه سادات میراحمدی^۳ و بهادر غلامی^۴

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در زمره یکی از بزرگترین رخدادهای قرن بیستم است که علاوه بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و الهام بخش مسلمانان در کشورهای مختلف شد. انقلاب ایران بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است. در این میان شیعیان پاکستان به دلیل همسایگی با ایران، وجود میراث مشترک فرهنگی، زبانی و مذهبی و ... تأثیرات عمیقی از انقلاب ایران پذیرفتند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان بر اساس نظریه پخش می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تأثیرات انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان تحت تأثیر ویژگی‌های مبدأ پخش (ایران) و مقصد پخش (پاکستان) بوده و همچنین متأثر از اثر همسایگی و بیشتر از نوع پخش سرایتی بوده است. انقلاب ایران برای شیعیان پاکستان همراه با فرصت‌ها و چالش‌هایی بوده است. انقلاب ایران موجب احیاء حیات سیاسی - اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان شد که به شکل خود آگاهی، هویت جویی و تقویت رفتار مذهبی شیعیان؛ رشد مطالبات سیاسی؛ نهادسازی و شکل‌گیری تشکل و حزب سیاسی و نقش‌آفرینی بیشتر شیعیان در سیاسی کشور بروز پیدا کرد. اما از سوی دیگر عملکرد موانع پخش که شامل طیفی از نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است، باعث ایجاد موج جدیدی از خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان شد که تاکنون ادامه دارد.

کلیدواژه‌گان: انقلاب اسلامی ایران، شیعیان، پاکستان، پخش، پخش سرایتی.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

smirahmadi@ut.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مقدمه

انقلاب‌ها معمولاً آثار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی در کشوری که در آن واقع شده‌اند، در منطقه مربوطه و حتی در سطح جهانی می‌گذارند (پناهی، ۱۳۸۵: ۷). انقلاب اسلامی ایران در زمره یکی از بزرگترین رخداد های قرن بیستم است که تاکنون موضوع مباحثه‌برانگیز بسیاری از محافل علمی - پژوهشی جهان بوده است (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۱). انقلاب اسلامی ایران افزون بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و پایداری خود را در گسترش ایدئولوژی در ابعاد جهانی دید (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). هر چند انقلاب اسلامی ایران یک الگوی عملی را به جنبش‌های اسلامی عرضه داشت اما این انقلاب بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۱)؛ و از یک طرف، سبب شد مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان معرفی شود و از طرف دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف احساس خودباوری کرده، در جهت رشد و ارتقای سیاسی گام بردارند (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۳). انقلاب ایران موجب شد تا حرکت‌های اسلامی و شیعی به تشکیل و یا سازماندهی مجدد پرداخته و در راستای احقاق حقوق و اثبات هویت خود به مبارزه برخیزند (درخشه و جمیری، ۱۳۹۰: ۳۶). از سوی دیگر روی کار آمدن حکومتی شیعی در ایران عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون ساخت و باعث شد غرب از زاویه دیگری به منطقه و عناصر ژئوپلیتیک آن توجه کند. انقلاب ایران موازنه قوا در منطقه را به هم زد و سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خاورمیانه را دگرگون نمود و حساسیت‌ها و واکنش‌هایی را نسبت به کشورهای که دارای جمعیت شیعه بودند، برانگیخت. از آنجا که کشور پاکستان به دلیل همجواری با ایران، وجود میراث مشترک فرهنگی، مذهبی و زبانی و وجود جمعیت شیعه قابل توجه، که سرعت پخش امواج انقلاب اسلامی ایران را در این کشور افزایش می‌داد، تأثیرات زیادی از انقلاب ایران پذیرفت و همچنین بعد از انقلاب ایران، پاکستان از کشورهای بود که به شدت مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت و تلاش برای خنثی نمودن تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در رأس سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشور قرار گرفت، این مقاله به بررسی چگونگی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان کشور پاکستان و نیز چرایی و چگونگی عملکرد نیروهای مخالف انقلاب ایران، در کشور پاکستان برای جلوگیری از اثرگذاری انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان می‌پردازد.

مبانی نظری تحقیق

نظریه «پخش»^۱ یا «اشاعه» به دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری یا توضیحی چشمگیری برای نشان دادن تأثیرات انقلاب اسلامی بر دیگر کشورها دارد (خانی آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۲۷). نظریه پخش، نظریه‌ای است در خصوص توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش پدیده‌ها، ایده‌ها و اندیشه‌ها که از سوی «هاگر استراند» جغرافیدان سوئدی در سال ۱۹۳۵ م. ابداع و ارائه شد. هر چند در سالهای اولیه کاربرد این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود اما در سالهای بعد به سایر شاخه‌های رشته جغرافیای انسانی تسری یافت و در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به کار گرفته شد (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۱). اشاعه یا پخش، فرایندی است که بر طبق آن یک امر فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه است در جامعه دیگری به به عاریت گرفته می‌شود و پذیرفته می‌شود. پخش شامل انواعی چون جابه‌جایی^۲، سلسله مراتبی^۳ و سرایتی^۴ است. در پخش جابه‌جایی، جابه‌جایی ایده و یا نوآوری از طریق انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه صورت می‌گیرد. در پخش سلسله مراتبی، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابند. در پخش سرایتی یا واگیردار، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب، همانند بیماری‌های مسری صورت می‌گیرد. دو نوع پخش سلسله مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که با سرعت بالایی از نوع پخش انبساطی هستند (پانوف و پرون، ۱۳۶۸: ۱۱۳)، (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۶۳)، (پی فرارو، ۱۳۷۹: ۵۲). در این دو نوع پخش، افکار و مفاهیم از سرزمین میهمان و جدید هجرت می‌کنند و چون هجرت فیزیکی نیست، دارای سرعت انتشار بالایی است (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۵). انتقال هر پیام با ماهیت و گیرایی پیام، نیروی پیام‌گزار، توان پذیرش و رفتار گیرنده پیام، فضای جغرافیایی، نقش و موقعیت مراکز دریافت پیام، و سیاستی که کسب پیام و نوآوری‌ها را پشتیبانی و حمایت می‌کند، مناسب است. همچنین داده‌ها اقتصادی و اجتماعی و فنی را به عنوان عامل تسهیل‌کننده پیام و برعکس عوامل تضعیف‌کننده را نمی‌توان دست‌کم گرفت (فرید، ۱۳۷۹: ۶۶). به عبارت دیگر در تبیین و مطالعه بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی بر اساس نظریه پخش، مبدأ و مقصد، بازه زمانی، ابزارها و کانال‌ها و در نهایت

-
1. Diffusion theory
 2. Relocation Diffusion
 3. Hierarchic Diffusion
 4. Contagious Diffusion

موضوع پخش واکاوی می‌شود. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهش‌دهنده به شمار می‌رود که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن باید در نظر گرفته شود (خانی‌آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

یافته‌های تحقیق

وقوع انقلاب اسلامی با تکیه بر دو نهاد اسلام و مردم، ضربه سنگینی بر امپریالیسم امریکا وارد کرد و جهان اسلام به طور خاص و جهان را به طور عام تحت‌تأثیر قرار داد. ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی به مقصد کشورهای اسلامی و احزاب و جنبش‌های مردمی مسلمان گردید و باعث مجموعه‌ای از تأثیر پذیری‌های غیرارادی و رفلکسی در مسلمانان شد و در سایه اسلام سیاسی، افراد، مراسم‌ها، مناسبت‌ها، سازمان‌های انقلابی و طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در رهبران و روشنفکران دینی از طریق پخش جابه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی به وجود آورد (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۱۷). تأثیرگذاری انقلاب ایران عمدتاً در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر دینی در کشورهای اسلامی به ویژه جوامع شیعی بوده است (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۳). این انقلاب جنبش‌های خفته را بیدار نمود، بیداری‌های کم‌تحرک را سامانی دوباره بخشید و حتی در برخی موارد جنبش‌های پرتحرک را به سوی ایدئولوژی جدید فرا خواند (درخشه و جمیری، ۱۳۹۰: ۳۹). تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان به صورت آتشی زیر خاکستر بودند و نقش زیادی در مناسبات سیاسی حکومت‌ها و ساختار قدرت جهانی نداشتند. انقلاب ایران باعث برانگیخته‌شدن شیعیانی شد که به عنوان بخش خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان هیچ‌گونه نقشی در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نداشتند. در اثر انقلاب اسلامی، شیعیان جرأت و شجاعت خود را بازیافتند و پس از یک دوره فترت و سستی، از خواب غفلت بیدار شده و هویت تازه‌ای یافتند (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۶). در این میان شیعیان پاکستان به دلیل همجواری با ایران و وجود میراث مشترک فرهنگی، زبانی و مذهبی، که تاریخچه‌ای طولانی دارد، جایگاه ویژه‌ای داشتند. چگونگی تأثیرگذاری انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان بر اساس نظریه پخش به شرح زیر است:

مبدأ پخش

مبدأ پخش مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیامها و ارزش‌های جدید است. پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران به عنوان مبدأ پخش در بهمن ۱۳۵۷، به دلایل گوناگون دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛ اول؛ یک انقلاب بزرگ و تمام‌عیار و مطابق با تعاریف انقلاب، در ایران رخ داد. دوم؛ دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند «اسلامی» انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند. سوم؛ موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی ایران و موقعیت حساس منطقه‌ای آن، سبب می‌شود که هر گونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای باشد (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۴). علاوه بر این ایران در هارتلند دنیای تشیع قرار دارد و پیرامونی‌های شیعه بسان لایه‌هایی آن را احاطه کرده‌اند. شیعیان ۹۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند و کشورهای دیگری که دارای اکثریت یا اقلیت‌های شیعی قابل توجه هستند، عمدتاً در اطراف ایران قرار دارند. عراق، آذربایجان، بحرین، عربستان، افغانستان و پاکستان بهترین نمونه‌ها را به دست می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۶۲-۲۶۳). با وقوع انقلاب در ایران فضاهای اطراف ایران نیز در قالب لایه‌های پیرامون و نیمه‌پیرامون، از تحولات رخ داده در کانون متأثر شده و بیشتر به سوی فعالیت و مشارکت سیاسی و قدرت‌یابی حرکت کردند. به سخنی دیگر پیروزی انقلاب اسلامی، آموزه‌های جدیدی در بعد نظری و عملی در اختیار شیعیان قرار داد که از موضع انفعال خارج شده و خود را در حالت تهاجمی و با نقش بازیگری یافتند (Esposito, 1999: 105). بنابراین وقوع انقلاب اسلامی در کشور ایران خود به خود به هویت‌یابی، خودآگاهی و معرفی شدن شیعه منجر شد (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۶) و قرار گرفتن ایران در کانون دنیای تشیع زمینه را برای مدیریت و رهبری ایران در دنیای شیعه فراهم کرد و قدرت‌یابی شیعه در ایران یا به عبارتی برخوردار شدن آن از ماهیت ایدئولوژیک، باعث شد تا حوزه نفوذ ایران در مناطق پیرامونی گسترش یابد (احمدی و لطفی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)، (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۸۲).

مقصد پخش

مقصد پخش مکانی است که محتوای پخش به آنجا می‌رسد. در پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. به

عبارت دیگر «اثر همسایگی» در پخش سرایتی، عامل کلیدی تلقی می‌شود (خانی‌آرانی و بزرگر، ۱۳۹۰: ۱۲۹). نکته‌ای که در نظریه پخش مهم محسوب می‌شود این است که یک حوزه جغرافیایی پذیرای ایده‌ای که پخش شده، باشد. پاکستان در سال ۱۹۴۷ به دست مسلمانان با علت وجودی اسلام و به عنوان یک دولت ایدئولوژیک، به دنبال فرایند جداسازی از یک کشور بزرگتر به نام هند و به عنوان یک میهن دموکراتیک برای مسلمانان شکل گرفت (Saigol, 2005: 1006): (Qureshi, 1980: 563)، (Najib shafiqh, 2010: 463). و در سال ۱۹۵۸ نام «جمهوری اسلامی» را بر خود نهاد (فرزین‌نیا، ۱۳۷۶: ۲۰). این کشور جزء کشورهای چندملیتی محسوب می‌شود و از تنوع وسیع قومی، زبانی و مذهبی - فرقه‌ای برخوردار است (Malik, 2002: 4). ۹۶ درصد از جمعیت این کشور مسلمان هستند که ۷۷ درصد از آنها اهل تسنن و ۲۰ درصد شیعه هستند (اژدر، ۱۳۸۶: ۲۸-۳۱). تعداد شیعیان در پاکستان حدود ۲۷ تا ۳۵ میلیون نفر برآورد می‌شود، هرچند آمار دقیقی در این باره وجود ندارد (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۵). به دنبال تقسیم شبه‌قاره در سال ۱۹۴۷ شیعیان به صورت بزرگترین اقلیت مذهبی درون اکثریت سنی مذهب پاکستان باقی ماندند (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

در اینجا گذری بر اوضاع داخلی پاکستان و شرایط شیعیان این کشور در هنگام وقوع انقلاب در ایران برای درک چگونگی تأثیرگذاری انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان ضروری است. در سال ۱۹۷۷ ژنرال محمد ضیاء‌الحق رئیس ستاد مشترک ارتش با کودتایی که شگفتی بسیاری را برانگیخت دولت حزب مردم بوتو را کنار زد. ضیاء‌الحق بعد از انجام کودتا اعلام کرد که هدفش بازگرداندن دموکراسی و دفاع از اسلام است (Javid Burik, 1991: 68). در سال ۱۹۷۸ ضیاء‌الحق رئیس‌جمهور شد، و قرار برگزاری انتخابات را برهم زد. از این پس ضیاء‌الحق اندیشه بازگرداندن دموکراسی و برگزاری انتخابات ملی را به یک سو نهاد و به جای آن روزبه‌روز بر ماهیت اسلامی حکومت خود و برنامه اسلامی‌سازی آن پای می‌فشرد (Javid Burik, 1991: 40). رژیم نظامی ژنرال ضیاء‌الحق با قرار دادن نظام آموزشی و حقوقی بر مبنای قوانین اسلامی، وضعیت قبلی مبنی بر حاکم بودن روح اسلامی بر قوانین و حکومت را به سیاست رسمی «اسلامی‌سازی» همه شئون تغییر داد (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۳). این امر زمینه‌ساز تحول و دگرگونی در فضای این کشور شد. بی‌گمان یکی از مهمترین پیامدهای این دوره که تاکنون نیز سایه خود را بر جامعه و سیاست پاکستان حفظ کرده است، پررنگ شدن نقش اسلام

در حوزه عمومی بود. در دوران حکومت ضیاءالحق (۱۹۷۷-۱۹۸۸) اسلامی شدن قوانین در سیاست و فرهنگ عمومی جا افتاد. از سوی دیگر ژنرال ضیاءالحق برای کسب حمایت روحانیون و نهادهای اسلامی پاکستان، سازمان ارتش را به ایدئولوژی اسلامی مجهز ساخت. بنابراین می‌توان گفت دوران ضیاءالحق نمونه‌ای بی‌مانند از ترویج سیستماتیک اسلام‌گرایی از بالا بود (hussain, 1990: 267). در این شرایط که شیعیان به دلیل فعالیت‌های اسلامی‌سازی کشور و تحمیل فقه حنفی توسط حکومت به شیعیان، تحت فشار زیادی قرار داشتند؛ انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و یک حکومت شیعی در ایران به قدرت رسید. این مسئله موجب تأثیرپذیری شیعیان پاکستان شد و با علایق دو ملت، نزدیکی فرهنگی و اعتقادی و شرایطی که شیعیان پاکستان در آن قرار داشتند، این امر دور از انتظار نبود.

مسیرها و مجاری پخش

گذشته از پخش غیرارادی یا رفلکسی و پخش سرایتی به دلیل همسایگی پاکستان با ایران و مشترکات دو ملت که تأثیرپذیری شیعیان پاکستان را افزایش می‌داد؛ در اینجا باید به نقش حکومت ایران در صدور انقلاب ایران نیز توجه کرد. صدور انقلاب بخشی از رسالت برون مرزی همه انقلاب‌ها تلقی می‌شود (محمدی، ۱۳۸۱: ۶۰). هر انقلابی بعد از به ثمر رسیدن تأثیراتی بر محیط پیرامون خود می‌گذارد و در پی معرفی دستاوردهای خود به دیگران است، انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و سعی دارد دستاوردهای خود را صادر نماید. صدور انقلاب طرحی است برای برقراری ارتباط با توده‌های مردم و ایجاد حس بیداری اسلامی در بین مسلمانان و حمایت از نهضت‌هایی که در راستای این بیداری گام برمی‌دارند. جمهوری اسلامی ایران در این راستا در پی ایجاد ارتباط با سایر ملت‌ها برای معرفی اصول و ارزش‌ها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرد تا علاوه بر مسلط ساختن گفتمان انقلابی در داخل، آن را به خارج از مرزهای جغرافیایی کشور تسری دهد. هر چند نمی‌توان الگوی مشترکی از صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف پیدا کرد (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۰)؛ در کل اصل صدور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران با استفاده از چهار استراتژی الگوسازی، تبلیغ، و آگاه‌سازی و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش دنبال شده است

(محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱). در مورد پاکستان به دلیل هم مرزی، دین مشترک و وجود جمعیت شیعه قابل توجه تحرکات نهادهای ایرانی نیز قابل توجه بوده است.

زمان پخش

جردن و راونتری در بررسی عوامل کاهش دهنده تأثیرات پخش، در کنار افزایش مسافت، گذشت زمان، را نیز عامل مهمی در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند و معتقدند با افزایش زمان کاهش می‌یابد. برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب اسلامی و به تعبیر گراهام فولر «تأثیر رفلکسی انقلاب» ایران تنها در سالهای نخستین انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بود و پس از آن به تدریج با گذشت زمان این اثرات محدودتر شده است. به عنوان مثال نیکی کدی معتقد است تأثیرات و الهام‌بخشی محسوس انقلاب اسلامی صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چندماه پس از پیروزی آن است (خانی‌آرانی و برزگر، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۱). پاکستان از مهمترین کشورهایی بود که انقلاب اسلامی ایران به طور سریع، وسیع و عمیق در آنجا بازتاب یافت (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۹)؛ اما با گذشت زمان، با توجه به تغییر شرایط پاکستان و ایران، تغییر سیاست خارجی و الگوی صدور انقلاب در ایران، وضعیت منطقه و نظام بین‌الملل و همچنین فعالیت‌های شدید نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پاکستان بر ضد ایران از شدت تأثیرگذاری انقلاب ایران کاسته شد. به عنوان مثال در حالی که در دهه اول انقلاب، گفتمانی آرمانی بر سیاست خارجی ایران استوار بود که بر صدور انقلاب به هر طریقی تأکید داشت، بعد از جنگ هشت‌ساله، رویکردی واقع‌گرا در سیاست خارجی حاکم شد. در دوره سازندگی صدور انقلاب ماهیتی اقتصادی و الگوپردازانه به خود گرفت. در دولت اصلاحات الگوی سیاسی-فرهنگی در دستور کار قرار گرفت و تفاهم و صلح با جهانیان به عنوان راهکاری برای صدور انقلاب در نظر گرفته شد. از سال ۱۳۸۴ نیز الگوی صدور بر اساس ایجاد رابطه بیشتر با ملتهاست که در پی ارائه مدلی از دولت اسلامی عدالت‌محور است (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۵۹-۸۳).

موضوع پخش

بررسی وقایع کشور پاکستان بعد از انقلاب اسلامی ایران بیانگر آن است که موضوع پخش در این کشور شامل موارد زیر است:

خودآگاهی، هویت جویی و تقویت رفتار مذهبی شیعیان: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پاکستان اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را رسمیت شناخت. ظهور انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی در حیات سیاسی ملت پاکستان محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در بدو امر تأثیر جدی بر تمامی مردم پاکستان اعم از شیعه و سنی داشت و با توجه به مشترکات و علائق دو ملت، چنین تأثیری دور از انتظار نبود. علاوه بر تأثیرگذاری انقلاب در سطح کلان که تا اندازه‌ای قابل پیش بینی بود، مسئله مهمتر متأثر شدن شیعیان از انقلاب ایران بود، این انقلاب موجب احیاء مجدد حیات سیاسی - اجتماعی شیعیان پاکستان شد. در شرایطی که کشور پاکستان تحت سلطه ژنرال ضیاءالحق اداره می‌شد شیعیان به دلیل بی‌توجهی متوالی و مدید دولت‌های وقت نسبت به حقوق آنان و نیز عدم هماهنگی در بین خود شیعیان و تشنت و پراکندگی در وضعیت اسفباری قرار داشتند. وقوع انقلاب اسلامی ایران نقطه آغازی بود بر این که شیعیان خود را بازیابند و لزوم وحدت و همبستگی جهت احقاق حقوق پایمال شده خود را بیش از پیش احساس نمایند (اکبرپور، ۱۳۷۶: ۹۰). شیعیان پاکستان پس از یک دوره فترت و سستی با ظهور انقلاب اسلامی از خواب غفلت بیدار شده و هویت تازه‌ای یافتند. در پی انقلاب اسلامی، شیعیان در کشور پاکستان، جسورانه هویت فرقه‌ای خودشان را اظهار کرده و مراسم عبادی خود را به جای آورده و نارضایتی خود را از حکومت موجود بیان نمودند (ماهانامه‌اخبار شیعیان، ۱۳۸۷: ۵۴).

رشد مطالبات سیاسی: انقلاب اسلامی ایران به طور خاص برای شیعیان این کشور فرصت بازیابی بود. بزرگان شیعه پس از مشورت‌های بسیار، با استفاده از این فرصت، طرح یک اجتماع همگانی را ریختند. بر این اساس روز ۲۴ فروردین ۱۳۵۸ اجتماع شیعیان سراسر کشور در شهر بکر پنجاب برگزار شد (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۸۸). این گردهمایی به خاطر بیان مخالفت با سیاست دینی ضیاءالحق به ویژه در مورد زکات، تحمیل فقه حنفی بر پیروان دیگر مذاهب و ایجاد محدودیت در برگزاری آیین شیعه مانند سوگواری محرم برگزار شد. بنابر فرمان ضیاءالحق مقرر شده بود که زکات از همه افراد و درآمدها ستانده شود، در حالی که فقه شیعه پرداخت زکات را بر شمار اندکی

از کالاها واجب می‌داند. خواسته‌های شیعیان که در گردهمایی بکر بیان شد، عبارت بودند از این که هر دادگاهی که یک شیعه را مورد محاکمه قرار می‌دهد باید بر پایه فقه جعفری عمل کند؛ همه درآمدهای زیارتگاه‌های شیعیان باید برای امور مذهبی آن‌ها هزینه شود؛ دولت باید همه محدودیت‌ها برای سوگواری امام حسین و نیز مسافرت شیعیان به شهرهای مقدس ایران و عراق و عربستان را بردارد؛ علمای شیعه و احکام آن می‌بایست در دادگاه‌های شریعت نمایندگی داشته باشند و برنامه‌های مذهبی شیعیان از رادیو، تلویزیون پخش شود. مجتهدان برجسته و علمای بزرگ باید از ایران دعوت شوند، همان‌طور که علمای سنی از عربستان سعودی دعوت می‌شوند، و سرانجام این که دیدگاه‌های مذهبی شیعیان برای دانشجویان شیعه در دانشگاه‌ها بیان گردد. این درخواست‌ها طی توافق اسلام‌آباد با ضیاءالحق در ژوئیه ۱۹۸۰ توسط دولت پذیرفته شد (Kennedy, 1993: 79-80). به این ترتیب شیعیان که انقلاب ایران روحیه جدیدی به آنان بخشیده بود، توانستند به رهبری مفتی جعفرحسین مبارزاتی را برای کسب حقوق از دست رفته خود آغاز کنند و در سال ۱۹۸۰ دولت پاکستان که از یک سو، به علت فوت محمود و مولانا مودودی فشار کمتری را از جانب اهل سنت تحمل می‌نمود و از سوی دیگر، شیعیان را در موضع قدرت می‌دید و مبارزات آنان را جدی تلقی می‌کرد با رهبران شیعه پاکستان توافقی به عمل آورد و پذیرفت شیعیان بر اساس فقه جعفری در مورد زکات عمل کنند و دیگر حقوق شیعیان نیز به وسیله دولت مورد توجه قرار گیرد (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۲۳).

نهادسازی و شکل‌گیری تشکل و حزب سیاسی: از زمان شکل‌گیری پاکستان، شیعیان به‌رغم حضور چشمگیر در عرصه‌های سیاسی، هرگز بر آن نشدند که باورهای مذهبی خود را پایه و بنیان خواسته‌های سیاسی خود قرار دهند. شاید دلیل این مسئله این بوده که برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که شیعیان در آنها از نوعی تمرکز جغرافیایی برخوردارند، در پاکستان چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. شیعیان این کشور در تمام شهرها و شهرستان‌ها پراکنده‌اند و این پراکندگی در سطح روستاها نیز به چشم می‌خورد (عارفی، ۱۳۸۴: ۲۰۱). این نکته را نیز می‌بایست یادآوری کرد که نزدیک به ۷۰ درصد جامعه شیعیان روستایی بوده‌اند (عارفی، ۱۳۸۵: ۴۷۶). و همین امر بی‌گمان در شکل نگرفتن خودآگاهی فرقه‌ای و سازمان مذهبی تأثیری بنیادین داشته است. از سوی دیگر در جامعه پاکستان تا پیش از روی کار آمدن ضیاءالحق مرزبندی‌های قومی و

زبانی و حتی طبقه‌ای اهمیتی بارها بیشتر از اختلافات مذهبی داشته است. نخستین تلاش‌ها برای سازمان بخشی شیعیان در دوره ایوب‌خان آغاز گشت. از سال ۱۹۵۸ میلادی سازمان «وفاق المدارس الشیعه» به وجود آمد که توانست استادان و گردانندگان این مدارس را سازماندهی کند (همان: ۳۲۸ و ۲۶۹). همچنین «سازمان دانشجویان امامیه پاکستان» در سال ۱۹۶۲م پایه‌گذاری شد. نگاهی به برنامه‌های این سازمان نشانگر گرایش‌های غیرسیاسی و خواسته‌های دینی فرا مذهبی آنهاست. برخی از این برنامه‌ها عبارت بود از آشنایی دانشجویان با قرآن و سیره پیامبر و امامان، رشد استعدادهای علمی، اخلاقی و دینی و افزایش گرایش‌های وحدت و همسویی در دانشجویان، امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد گروه‌های امدادی امامیه (همان: ۱۹۴).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا به آینده اسلام سیاسی امیدوار شدند، این تأثیرپذیری چنان عمیق بود که بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی احتمال وقوع انقلاب دیگری در پاکستان را بسیار زیاد می‌دانستند و پاکستان را حلقه دوم انقلاب اسلامی بعد از ایران معرفی کردند (اکبرپور، ۱۳۷۶: ۹۰). همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران طرفداران این انقلاب در پاکستان فعالیت‌های تشکیلاتی خود را تشدید کردند و به نفع جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاسی تبلیغ کردند. سپس نخستین سازمان سیاسی شیعیان یعنی «تحریک نفاذ فقه جعفری» به ریاست «مفتی جعفر حسین» و اندکی پس از گردهمایی اعتراضی بزرگ شیعیان در شهر بکر پنجاب در فوریه ۱۹۷۹م ایجاد شد. در سال ۱۹۸۴م تحریک خود را به عنوان یک حزب سیاسی معرفی نمود. در ژولای ۱۹۸۷/تیر ۱۳۶۶ منشور سیاسی تحریک نفاذ فقه جعفری در گردهمایی لاهور به تصویب رسید. در منشور تحریک که «سبیلنا» نامیده شده درباره حکومت و نظام سیاسی آمده بود: اساس و زیربنای نظام حکومت اسلامی بر این است که حق حاکمیت فقط و فقط از آن خداست. معنای این است که هیچ فرد و طبقه یا گروهی بر آن حاکمیت ندارد (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۲۳). بدون تردید یکی از علل اصلی پیدایش این حزب پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. بر اثر چنین تحول عظیمی گروه‌های شیعی پاکستان تشکیلاتی شدند و از نظر سطح فکری و بینش سیاسی ارتقا یافتند. نهضت اجرای فقه جعفری پس از تأسیس بیشترین تأثیر را بر فعالیت‌های شیعیان داشت. این گروه در جهت دادن به فعالیت‌های شیعیان و استفاده از تمام توانایی‌های آنان به حدی بود که تمام گروه‌های ضد شیعی را بارها وادار به شدیدترین عکس‌العمل‌ها کرد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴). از جمله نهادهای دیگر شیعی در پاکستان

«صندوق رفاه جعفریه» است که یک نهاد خیریه مذهبی است و در سال ۱۹۸۸ توسط روحانیون شیعه ایجاد گردیده است. یکی از اهداف این صندوق ترویج نظریه «ولایت فقیه» است (عارفی، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشور: پس از انقلاب ایران، فعالیت‌های سازمان یافته شیعیان در قالب نهضت اجرای فقه جعفری، به حضور مستقل و آشکار این حزب در انتخابات سال ۱۹۸۸ م منجر شد. از آن به بعد شیعیان همواره در مجالس ایالتی، ملی و سنا حضور چشمگیری داشته‌اند و در امر تصمیم‌گیری مشارکت کرده‌اند. به عنوان مثال روند تکاملی شیعیان در امور سیاسی - اجتماعی باعث شد ۳۷ نماینده در انتخابات سال ۲۰۰۲ م پیروز شوند و به مجلس شورای ملی راه یابند. در مجلس سنا نیز از صد نماینده شش تن شیعه بودند. در مجلس ایالتی سرحد از ۱۲۴ نماینده سه تن شیعه بودند و در مجلس ایالتی سرحد از ۱۲۴ نماینده سه نماینده شیعه بودند. در کابینه دولت محلی ایالت پنجاب پنج وزیر شیعی حضور داشتند (عارفی، ۱۳۸۵: ۴۱۹-۴۲۱)، (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). بنابراین می‌توان گفت انقلاب ایران موجب احیاء حیات سیاسی اجتماعی و سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان شد.

موانع پخش

نیروهایی که به عنوان موانع پخش در تأثیر گذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان ایفای نقش کرده و می‌کنند را می‌توان به سه دسته نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم کرد که در رأس آنها امریکا و عربستان قرار دارند. قبل از انقلاب اسلامی، در زمان ذوالفقار علی بوتو، همگرایی منطقه‌ای بین ایران و پاکستان وجود داشت. اما چند اتفاق مهم در مقطع کوتاهی از زمان در منطقه رخ داد. ذوالفقار علی بوتو توسط ضیاء الحق سرنگون شد؛ شوروی به افغانستان حمله کرد و شاه در ایران سقوط نمود. این اتفاقات مهم و در رأس آنها انقلاب ایران موازنه قوا در منطقه را به هم زد و معادلات منطقه را دستخوش تغییر و تحول چشمگیری نمود (غفرانی، ۱۳۸۷: ۲۲). از آنجا که امواج انقلاب اسلامی ایران به سرعت و به طور عمیق در پاکستان جریان یافت؛ این امر موجب نگرانی اهل سنت در پاکستان، غرب و رژیم‌های مخالف انقلاب ایران در منطقه شد. به این ترتیب از این مقطع به بعد در کنار فعالیت‌های گروه‌های سنی افراط‌گرا، تلاش برای خستی نمودن

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در رأس سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کشور پاکستان قرار گرفت و اقدامات و دخالت‌هایی را سبب شد که با وجود ساختار فرقه‌ای جامعه پاکستان و با تحولاتی که در عرصه سیاسی داخلی پاکستان در دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد، این دخالت‌ها تسهیل شد. وقایع پس از انقلاب ایران در پاکستان نشان می‌دهد نیروهای مخالف انقلاب ایران با استفاده از دو روش به جلوگیری از تأثیرگذاری و نفوذ انقلاب ایران در کشور پاکستان پرداختند. محور اول عبارت بود از ایجاد تفرقه بین شیعیان و اهل سنت پاکستان و دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و تبلیغ این موضوع که انقلاب ایران انقلابی شیعی است و مدافع شیعیان است و می‌خواهد به وسیله شیعیان پاکستان حکومتی شیعی در پاکستان حاکم کند و سنیان را از میان بردارد. محور دوم فعالیتها عبارت بود از کمک و تشویق حکومت به اسلام‌گرایی. در زیر به چرایی و چگونگی عملکرد این نیروها به عنوان موانع پخش امواج انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود:

گروه‌های افراط‌گرای اهل سنت در پاکستان: در بدو امر حضور جمهوری اسلامی ایران در همسایگی پاکستان و روابط حسنه بین دولت‌های دو کشور باعث شد از فشار بیشتر علیه شیعیان کاسته شود. اما از آنجا که شیعیان این کشور بیش از دیگر گروه‌ها از وقوع انقلاب در ایران خشنود و بهره‌مند شدند، در نتیجه این تفکر که انقلاب مذکور مختص شیعیان بوده و هدف بعد آن پاکستان است، سران سیاسی و رهبران گروه‌های مذهبی اهل سنت را به انقلاب اسلامی ایران بدین نمود و واکنش‌های منفی آنها در قبال ایران و سیاست‌های این کشور را در پی داشت و به تدریج فشارها علیه شیعیان شدت یافت. نزدیکی شیعیان پاکستان به ایران مخالفت و مقابله گروه‌های افراطی سنی مذهب را در پی داشت. گروه‌هایی در درون جامعه اهل سنت پاکستان اعلام وجود نمودند که هدف اصلی خود را مقابله با گروه‌هایی عنوان نمودند که به نوعی خواستار وقوع انقلاب اسلامی به سبک ایران در پاکستان بودند. یکی از این گروه‌ها سپاه صحابه بود که در سپتامبر ۱۹۸۵م به پیشگامی یکی از چهره‌های جمعیت علمای اسلام و تحت تأثیر اندیشه‌های وهابی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). ضیاء الرحمن فاروقی هدف از تشکیل سپاه صحابه را واکنش علیه انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از گسترش آن در بین مردم پاکستان ذکر کرد (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ آبان ۱۳۷۰). وی به دفعات ایران را متهم به دادن سلاح و پول به نهضت اجرای فقه جعفری نموده بود (روزنامه ابرار، ۷ مهر ۱۳۷۰: ۴) و از دولت پاکستان

تعطیلی خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را خواسته بود. تقریباً در تمامی ترورهای مذهبی در پاکستان در سه دهه اخیر سپاه صحابه نقش داشته است (شفیعی و قلیچ خان، ۱۳۸۹: ۵-۶).

لازم به ذکر است که تا دهه ۱۹۷۰ افراطگرایی مذهبی به موارد معدود درگیری شیعه و سنی هنگام مراسم عزاداری محرک محدود می‌شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ تحت برنامه اسلامی‌سازی ضیاءالحق، گروه‌های اسلامی و تندرو اهل سنت مانند سپاه صحابه فضای مناسبی برای فعالیت پیدا کردند و دامنه فعالیت خود را از مطالبات کلی حکومتی به مطالبات جزئی و مشخص افزایش دادند. در برابر زیاده‌خواهی اهل سنت تندرو، شیعیان نیز به ایجاد گروه‌های مذهبی، سیاسی و نظامی اقدام کردند و به مقابله برخاستند (همان: ۵). از این زمان به بعد درگیری‌های فرقه‌ای شدت بیشتری یافت و تعداد زیادی از اعضای گروه‌های مذهبی متعلق به شیعیان و اهل سنت در این خشونت‌ها کشته شدند. از سوی دیگر ضیاءالحق دستور اجرای قوانین اسلامی را صادر کرد و لایحه شریعت را برای تصویب در مجلس آماده نمود و ظاهری اسلامی به حکومت بخشید و از طرفی با جذب بسیاری از علمای اهل سنت و حمایت غیرمستقیم از آنها خود را مدافع آنان در مقابل هجوم اسلام شیعی نشان داد. به این ترتیب پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود آغاز مرحله جدیدی از گسترش و تشدید نزاع‌های فرقه‌ای بود که بعد از آن در زمان بی‌نظیر بوتو، نواز شریف، و ژنرال مشرف این روند کماکان تشدید شد و تا امروز این کشور در آتش شعله‌های اختلاف و درگیری فرقه‌ای می‌سوزد. بنابراین نفوذ معنوی انقلاب ایران در پاکستان، نیروهای افراط‌گرا در این کشور را بر ضد شیعیان این کشور تحریک و تقویت کرد (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵).

عربستان سعودی: تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، عربستان رهبر بلامنازع جهان اسلام تلقی می‌شد و بر این اساس موقعیت ممتازی در جهان داشت، پس از انقلاب اسلامی ایران، این کشور نیز، به عنوان رهبر جهان اسلام و ملت‌های مسلمان مطرح شد که این امر در نهایت، منجر به آغاز یک نوع رقابت ایدئولوژیکی بین ایران و عربستان برای کسب موقعیت رهبری در جهان اسلام شد و ایران و عربستان سردمدار دو ایدئولوژی متفاوت و حتی متعارض مذهبی شدند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با وقوع حوادثی در عربستان سعودی مانند شکستن تحریم عزاداری عاشورا توسط شیعیان در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ و قیام کعبه در همین سال همزمان گردید که احساس ترس و

وقوع تهدید از جانب ایران برای آنها را افزایش داد. این حوادث و ایدئولوژی مطرح شده توسط انقلاب اسلامی ایران سبب احساس تهدید رژیم عربستان سعودی در برابر موج جدید در منطقه شد و روابط ایران و عربستان را وارد مرحله جدیدی از تنش کرد. از این مقطع به بعد عربستان کوشید که با روزآمد کردن وهابیت به عنوان رقیب ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، به صدور اسلام بنیادگرا بپردازد تا بدین ترتیب هم از خود محافظت کند و هم به جای دفاع به تهاجم فرهنگی دست بزند و رهبری خود را بر جهان اسلام تضمین کند (ماهنامه اخبار شیعیان، ۱۳۸۷: ۵۶).

یکی از نخستین سیاست‌هایی که از سوی عربستان سعودی در کشورهایی که در معرض تأثیرات انقلاب اسلامی قرار داشتند، اتخاذ گردید، ایجاد روابط حسنه و گسترش همکاری‌های دوجانبه با این کشورها بود. از سوی دیگر پس از این که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و امریکا، مهمترین متحد منطقه‌ای خود را در خاورمیانه از دست داد، عربستان نقش محوری‌تری در سیاست‌های امریکا به خود اختصاص داد، از این‌رو، عربستان با نظر مساعد امریکا به حمایت از کشورهایی که تقویت آنها در برابر افکار انقلابی ایران لازم به نظر می‌رسید را برعهده گرفت. به این ترتیب با پیروزی انقلاب اسلامی و ارتقای موقعیت شیعیان در سطح منطقه و جهان عربستان سعی نمود در مسیری حرکت کند که موقعیت خود را علیه گروه‌های شیعی در کشورهای اسلامی تقویت کند. پاکستان از جمله کشورهایی بود که وضعیت جدید منطقه بیشترین تأثیرات را بر روی آن می‌توانست داشته باشد؛ به همین خاطر وقوع انقلاب اسلامی در ایران سران عربستان را در تعقیب اهداف سلفی‌گرایانه خود در پاکستان و در سطوح گوناگون آن به ویژه در سطح عمومی ترغیب نمود. از این مقطع به بعد دلارهای نفتی عربستان سعودی برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های مورد نظر این کشور به پاکستان سرازیر شد و بسیاری از احزاب و گروه‌های تبلیغی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جانب دولت عربستان مورد حمایت قرار گرفتند.

پاکستان با توجه به شرایط زمانی و موقعیت مکانی خود ترجیح داد روابط حسنه خود را با هر دو کشور ایران و عربستان حفظ کند. همین امر باعث شد که ایران و عربستان برای فعالیت‌های ایدئولوژیک خود در پاکستان از آزادی کامل برخوردار باشند، نتیجه این مسئله به صورت فرقه‌گرایی و درگیری شیعیان طرفدار ایران و وهابی‌های حامی عربستان ظاهر گشت (نظیف‌کار و نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۵۵). هر چند نفوذ عربستان سعودی و اندیشه‌های وهابی به درون جامعه پاکستان برای اولین بار در دوره جهاد در افغانستان بود و عربستان سعودی کمک‌های زیادی به

پاکستان کرد تا جهاد در افغانستان را رونق بخشد؛ در آن زمان نیز قسمت عمده‌ای از این کمک‌ها صرف تأسیس مدارس دینی در پاکستان شد، تا طلاب آموزش دیده در این مدارس به مبارزین یا جهادیون در افغانستان تبدیل شوند و در مقابل شوروی بجنگند. با توجه به این که استادان این مدارس اکثر قریب به اتفاق، تحصیل کرده آموزشگاه‌های افراطی عربستان سعودی بودند، چاشنی دروس آنان آموزش عدم بردباری مذهبی و در نتیجه کافر و مشرک پنداشتن غیر مکتب سلفی و وهابی بود. لذا در طول سال‌های جهاد افغانستان، حجم زیادی از ادبیات افراط‌گرایانه و فرقه‌گرایانه در پاکستان منتشر شد. یکی از اهداف عربستان از گسترش تبلیغات وهابیت دامن زدن به احساسات ضدشیعی و ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی بوده است. تمایلات سیاسی عربستان سعودی در بهره‌گیری از این جریان افراط‌گرایی مذهبی در پاکستان و افغانستان برای محدودسازی پیامدهای انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از انتشار آن به حدی آشکار است که نیاز به توضیح ندارد. تحلیلگران پاکستانی و غیرپاکستانی بارها اظهار کرده‌اند که پاکستان در خلال سه دهه گذشته درگیر جنگ نیابتی میان ایران و عربستان در خاک پاکستان شده است (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۱-۳). یک نویسنده افغان در مقاله‌ای با عنوان سلفی‌گری و تروریسم در افغانستان این موضوع را این گونه مورد توجه قرار داده است: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و صدور ارزش‌های شیعه‌گری از سوی ایران به کشورهای مجاور، از طریق حمایت از اقلیت‌های شیعه و تشویق آنان به قیام علیه دولت‌هایی که از نظر ایران دوست محسوب نمی‌شدند، از یک سو و اشغال افغانستان به وسیله نیروهای شوروی کمونیست از سوی دیگر، احیای حرکت‌های جهادگرایانه سلفی از طرف عربستان سعودی و سایر کشورهای عرب را به مثابه مانعی در برابر نفوذ ایران و بازسازی چهره آنان به عنوان مبارزان علیه کافران کمونیست ضروری گردانید (ملازهی، ۱۳۸۶: ۷۵).

در دوره حکومت ضیاءالحق روابط عربستان و پاکستان به اوج خود رسید. ژنرال ضیاءالحق که به مکتب دیوبند تعلق داشت، در طول بیش از یک دهه حکومت خود بیست و هفت بار از عربستان دیدن کرد که این امر نشانه عمق روابط وی با سران عربستان سعودی است. در این دوره فعالیت‌های تبلیغی، مذهبی عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسید و با تشویق ضیاءالحق به اسلامیزه کردن پاکستان زمینه‌های گسترش وهابیت در پاکستان فراهم شد. تبلیغ وهابیت در پاکستان به روش‌های مختلف فرهنگی، علمی، آموزشی، حمایت‌های مالی و ... مانند

ارائه کمک به دولت پاکستان، تربیت و پرداخت مستمری به طلاب، احداث مساجد، فعالیت‌های دانشگاهی، تأمین هزینه مدارس مذهبی، احداث مراکز تبلیغی، ترویج زبان عربی، جذب نیروی کار پاکستانی در عربستان و کمک به سازمان‌های سیاسی وهابی مسلک... انجام می‌گیرد و نتیجه‌ای جز تقویت گروه‌های تروریستی و خشونت طلب و افروختن آتش فتنه میان شیعه و سنی و مزاید خشونت و کشتار فرقه‌ای ندارد. همچنین از ترکیب وهابیت با قومیت‌گرایی پشتون و مکتب فکری دیوبندیسیم، طالبانیسم در منطقه شکل گرفت که این نیروی نظامی مهمترین نقش را در رواج و تثبیت فرهنگ خشونت و ترور علیه شیعیان ایفا کرده است (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)، (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۵).

ایالات متحده آمریکا: وقوع انقلاب اسلامی ایران در جزیره ثبات آمریکا، از یک طرف توازن قوا را برهم زد و از طرف دیگر با اعلام چارچوب اصلی سیاست خارجی ایران، یعنی «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»، یک قدرت جدید مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی جدای از ایدئولوژی‌های مسلط جهانی به وجود آمد (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۴)، (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۵). واقعیات و دلایل بیشماری دال بر آن است که آمریکا و غرب در قبال وقوع انقلاب ایران غافل‌گیر شدند و از انجام دادن هر گونه اقدام در جهت پیشگیری از آن بازماندند؛ اما نکته ظریف آنکه بر عکس وقوع انقلاب، در باب «بازتاب و سرایت» آن به دیگر کشورها، آنان هم زمان کافی داشتند تا به پیش‌بینی پیامدها و تأثیرات فرامرزی آن بپردازند و هم تجربه سایر انقلاب‌ها مانند انقلاب فرانسه را داشتند و هم زمان و امکانات بیشتری داشتند. سیاستمداران غربی به این پیش‌بینی دست یافتند که در حالت خنثی بودن و عدم مزاحمت عنصر خارجی و متغیر نظام بین‌الملل و منطقه‌ای، انقلاب ایران، سراسر خاورمیانه را دربر می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۳).

در این میان اندیشه صدور انقلاب به عنوان یکی از اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی ایران، بر نگرانی‌های آمریکا می‌افزود. بنابراین آگاهی از موقعیت ژئوپلیتیک و آموزه‌های انقلاب شیعه در ایران، باعث شد آمریکا تمام توان خود را به‌کار بگیرد تا مانع از موفقیت ایران در منطقه شود (جمالی، ۱۳۸۶: ۲۱). به این ترتیب آمریکا همه کشورهایی که به نوعی ممکن بود مقصد صدور انقلاب باشند را مورد توجه قرار داد. از سوی دیگر پس از انقلاب ایران در حالی که افغانستان در اشغال شوروی بود، آمریکا پایگاه مهم خود را در منطقه از دست داده بود. بنابراین سعی کرد

برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های انقلاب اسلامی به کشورهای مجاور و مقابله با کمونیسم در منطقه به تقویت حکومت‌هایی بپردازد که ممکن بود تحت تأثیر این تحولات دستخوش دگرگونی گردند. در این میان، دسترسی آسان و سریع ایران به پاکستان به دلیل هم مرزی، وجود جمعیت شیعه قابل توجه و تحرکات نهادهای ایرانی در آن کشور نگرانی امریکا را دوچندان می‌کرد؛ بدین جهت در اولویت سیاست خارجی امریکا قرار گرفت (هادیان، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۶).

امریکا با تبلیغات فراوان سعی کرد، انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب شیعی معرفی کنند که سعی دارد در راستای صدور ارزش‌هایش یک حکومت شیعی دیگر در پاکستان به کمک شیعیان آن کشور ایجاد کند. در این زمینه تکیه به اختلافات شیعه و سنی دست‌مایه‌ای برای تشدید این تبلیغات شده بود، به طوری که تا حدود زیادی توانست گروه‌های مذهبی سنی پاکستان را نسبت به انقلاب ایران بدبین کرده و در تقابل با آن قرار دهد. دومین محوری که از سوی امریکا برای جلوگیری از نفوذ انقلاب ایران در پاکستان دنبال می‌شد، تشویق دولت پاکستان به اسلام‌گرایی بود. با جذابیتی که اسلام در نظر مسلمانان پاکستان دارا بود، رشد اسلام‌گرایی در دولت‌های پاکستان می‌توانست زمینه مشروعیت بیشتر آنان را فراهم کرده و در مقابل از نفوذ اندیشه‌های انقلابی منبعت از انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند (همان: ۶۴-۷۶). هنری کسینجر وزیر سابق امریکا بهترین راه برای مقابله با صدور انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش و نفوذ آن در میان جوامع اسلامی دیگر را ایجاد یک حرکت هدایت شده اسلامی در میان اهل سنت معرفی نمود که در عین حال می‌بایست با سیاست‌ها و خواسته‌های دولت امریکا هماهنگی و تطابق داشته باشد. این سیاست در دو سطح داخل و خارج از مرزهای سرزمینی ایران پیگیری شد. به این ترتیب با برنامه‌ریزی و صرف هزینه‌های کلان در مدارس دینی پاکستان گروه‌های تندرو و افراط‌گرایی مانند سپاه صحابه در پاکستان و بعدها پدیده‌ای به نام طالبان شکل گرفت (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۳۲-۲۳۳). در اجرای این سیاست‌ها دولت ضیاءالحق نقش اساسی را برعهده داشت. ژنرال ضیاءالحق که در طول بیش از یک دهه حکومت پرچم‌دار اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی در پاکستان بود، در آن زمان با هماهنگی امریکا و عربستان دستور اجرای قوانین اسلامی را صادر نمود و تصمیماتی برای تصویب و اجرای لایحه شریعت اتخاذ نمود. وی با صدور دستوراتی از قبیل ممنوعیت فروش مشروبات الکلی سعی در بالا بردن وجهه اسلامی حکومت در بین اسلام‌گرایان نمود و از سوی دیگر با جذب بسیاری از علمای اهل سنت و حمایت غیرمستقیم از آنها، خود را مدافع و حامی اصلی مذهب آنها در برابر

اندیشه‌هایی معرفی نمود که از سوی یک انقلاب شیعی در ایران صادر می‌شد. از این رو طبیعی است که امریکا از اجرای چنین قوانینی به منظور جلوگیری از نفوذ ایران در پاکستان استقبال می‌نمود، لذا ملاحظه می‌کنیم وقتی که در سال ۱۳۷۰ لایحه شریعت در پاکستان به تصویب رسید، سفیر امریکا در اسلام‌آباد موفقیت وی را در اجرای احکام اسلامی در این کشور تبریک گفت (هادیان، ۱۳۸۹: ۶۴-۷۶).

در نهایت، باید گفت نفوذ و قدرت فراسرزمینی، غیررسمی و غیردولتی تشیع در سطح منطقه به عنوان بستری بسیار مطلوب برای اعمال قدرت نرم نشان داده است که ایده انقلاب اسلامی درباره ماهیت رفتارها و رویکردهای اسلامی می‌تواند در دنیای مدرن به عنوان جایگزینی مؤثر و راهبردی در برابر «اسلام انگلیسی- وهابی» و «اسلام امریکایی لیبرال مسلک» مطرح شود و با تقویت عناصر منطقی، معتدل و میانه روانه منش سیاسی اسلام‌گرا، در پی انسجام درونی دنیای اسلام برآید؛ لذا واکنش‌های زیادی برانگیخته که بارزترین جنبه آن خشونت‌های فرقه‌ای ضدشیعی است. در این میان عناصر برون سیستمی در پاکستان در پی آن هستند که با جهت‌دهی خشونت‌ها علیه شیعیان پاکستان، هویت جمعی افراط‌گرایان این کشور را تقویت کرده و در راستای اهداف راهبردی منطقه‌ای خود از آن بهره‌گیرند. هر اندازه امریکا، انگلیس و عربستان احساس کنند جریان کلی سیاسی در منطقه به نفع ایران به عنوان «هارتلند ژئوپلیتیک شیعه» رقم می‌خورد، فشار خود را بر جامعه شیعی منطقه و از جمله پاکستان خواهند افزود، که خشونت‌های ضدشیعی فرقه‌ای مهلک‌ترین آن است. بر این اساس خشونت‌های ضدشیعی در پاکستان نیز نوعی حمله پیشگیرانه علیه هر گونه تأثیرگذاری و قدرت‌یابی شیعیان در این منطقه است (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۹).

نتیجه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که باعث ایجاد تغییرات و تحولات فراوانی در کشورهای منطقه و نیز در ساختار قدرت جهانی شد. این انقلاب به درون مرزهای ملی کشور باقی نماند و با برخورداری از دیدگاه فرامرزی خود کشورها و ملت‌های فراوانی را به‌خصوص در خاورمیانه تحت تأثیر قرار داد. انقلاب ایران، بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است. در این مقاله با استفاده از نظریه «پخش»

که به دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری و توضیحی چشمگیری برای نشان دادن تأثیرات انقلاب اسلامی بر دیگر کشورها دارد؛ به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان کشور پاکستان پرداخته شد. همانگونه که گذشت وقوع انقلاب در کشور ایران، تأثیرات زیادی بر شیعیان کشور پاکستان داشت. بازتاب‌های انقلابی اسلامی ایران در کشور پاکستان بیشتر از نوع پخش سرایتی بوده است. در پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. به این ترتیب «اثر همسایگی» عامل کلیدی در تأثیر گذاری انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان تلقی می‌شود. موقعیت بی‌نظیر ایران و قرار گرفتن در کانون جوامع شیعی با داشتن اکثریت جمعیت شیعه و قرار گرفتن شیعیان پاکستان در همسایگی ایران سرعت پخش امواج انقلاب ایران در پاکستان را به صورت رفلکسی و سرایتی افزایش داد. از سوی دیگر شیعیان پاکستان به دلیل شرایطی که در آن قرار داشتند کاملاً پذیرای امواج انقلاب اسلامی ایران بودند. شیعیان پاکستان که دارای اشتراکات فرهنگی، زبانی و مذهبی با ملت ایران هستند، در زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران به دلیل بی‌توجهی متوالی و مدید دولت های وقت نسبت به حقوق آنان، عدم هماهنگی و تشتت و پراکندگی در بین خود شیعیان و همچنین به دلیل فعالیت‌های اسلامی‌سازی کشور توسط حکومت و تحمیل فقه حنفی بر آنان در وضعیت اسفباری قرار داشتند. به این ترتیب تأثیرگذاری انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان متأثر از ویژگی‌های مبدأ پخش یعنی ایران و مقصد پخش یعنی پاکستان بوده است. به این ترتیب انقلاب ایران به نقطه عطفی در حیات سیاسی شیعیان پاکستان تبدیل شد و موجب احیاء مجدد حیات اجتماعی شیعیان پاکستان شد که به شکل خود آگاهی، هویت‌جویی و تقویت رفتار مذهبی شیعیان؛ رشد مطالبات سیاسی؛ نهادسازی و شکل‌گیری تشکل و حزب سیاسی شیعه و نقش آفرینی بیشتر شیعیان در ساختار سیاسی کشور پاکستان بروز پیدا کرد.

در مقابل، موانع پخش و امواج رقیب که از عوامل کاهش‌دهنده اثرگذاری به شمار می‌رود، بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در پاکستان را تحت‌تأثیر قرار داد. روی کار آمدن حکومتی شیعی در ایران واقعه‌ای بود که عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون ساخت و باعث شد غرب از زاویه دیگری به منطقه و عناصر ژئوپلیتیک آن توجه کند و حساسیت‌ها و واکنش‌هایی را از سوی غرب و قدرت‌های منطقه نسبت به کشورهای بی‌که دارای جمعیت شیعه بودند برانگیخت. گسترش سریع و عمیق امواج انقلاب ایران در پاکستان، موجب احساس تهدید اهل

سنت در پاکستان، و رژیم‌های مخالف انقلاب ایران در منطقه و غرب شد و از این مقطع به بعد در کنار فعالیت‌های گروه‌های افراط‌گرای سنی مذهب بر ضد شیعیان پاکستان و انقلاب ایران، تلاش برای ختنی نمودن تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در رأس سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در رأس آنها امریکا و عربستان در کشور پاکستان قرار گرفت. وقایع پس از انقلاب ایران در پاکستان نشان می‌دهد نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخالف انقلاب ایران با استفاده از دو روش به جلوگیری از تأثیر گذاری و نفوذ انقلاب ایران در کشور پاکستان پرداختند. اول ایجاد تفرقه بین شیعیان و اهل سنت پاکستان و دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و تشدید خشونت‌های ضدشیعی و دوم تشویق و کمک به حکومت پاکستان برای اسلام‌گرایی بر اساس فقه حنفی. بنابراین انقلاب اسلامی ایران و به قدرت رسیدن یک حکومت شیعی در ایران، برای شیعیان پاکستان هم فرصت‌ساز و هم چالش‌برانگیز بوده است.

کتاب‌شناسی

۱. ازدر، محمد (۱۳۸۶)، آشنایی با کشور پاکستان؛ چاپ اول؛ تهران؛ مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی؛
۲. احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه اندیشه سازان نور؛
۳. احمدی، سید عباس؛ لطفی، حیدر (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و نقش بین المللی ایران در منطقه، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۰۷-۱۲۱؛
۴. احمدی، سیدعباس (۱۳۸۹)، نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ، مطالعه موردی: تشیع و ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، صص ۳۷-۷۴؛
۵. احمدی، سیدعباس، واثق، محمود، جاسم‌نژاد (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۶۵-۸۴؛
۶. اکبرپور، رضاعلی (۱۳۷۶)، نقش فرقه‌گرایی مذهبی (وهابیت) در روابط ایران و پاکستان، پایان ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، راهنما دکتر محمد عسگرخانی؛
۷. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، ماهنامه اخبار شیعیان (۱۳۸۷)، شماره ۳۶، صص ۵۰-۵۶؛
۸. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص ۳۳-۵۷؛
۹. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹)، روانشناسی سیاسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت؛
۱۰. پانوف، میشل؛ پرون، میشل (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسگری خانقاه، تهران، انتشارات ویس؛
۱۱. پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵)، اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های وقوع انقلابات، پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره ۲۱، صص ۷-۵۲؛
۱۲. پی‌فرارو، گری (۱۳۷۹)، انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران، انتشارات سمت؛
۱۳. پیشگاهی فرد، زهرا، قدسی، امیر (۱۳۸۷)، بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار، صص ۸۱-۹۹؛
۱۴. جردن، تری، راوتتری، لستر (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات؛

۱۵. جمالی، جواد (۱۳۸۶)، هلال شیعی و هژمونی امریکا، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۷-۳۱؛
۱۶. جمالی، جواد (۱۳۸۸)، معنانشناسی خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان: فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۳۳-۱۴۴؛
۱۷. جوادی ارحمند، محمدجعفر؛ بیدالله خانی، آرش؛ رضایی‌زاده، پیمان (۱۳۹۱)، تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۵۱-۷۶؛
۱۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، احمدی، سید عباس (۱۳۸۸)، تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۷۳-۱۰۹؛
۱۹. خانی‌آرانی، الهه، برزگر، ابراهیم (۱۳۹۰)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر اروپای غربی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۱۱۹-۱۴۴؛
۲۰. حشمت‌زاده، محمداقرا (۱۳۸۷)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
۲۱. خرمشاد، محمداقرا (۱۳۸۳)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۸۶-۱۲۳؛
۲۲. درخشه، جلال، جمیری، محمد (۱۳۹۰)، انقلاب اسلامی ایران و تحول در حرکت شیعی عربستان سعودی، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۳۵-۷۰؛
۲۳. رحمانی، محمداقرا (۱۳۹۱)، تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب النهضه تونس با تأکید بر افکار حضرت امام خمینی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۲۱۵-۲۳۲؛
۲۴. روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ آبان ۱۳۷۰؛
۲۵. روزنامه ابرار، ۷ مهر ۱۳۷۰؛
۲۶. شفیع، نوذر، قلیچ‌خان، غلامرضا (۱۳۸۹)، تبیین رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱-۱۱؛
۲۷. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۲)، جنبش‌های اسلامی پاکستان، چاپ اول، قم، بوستان کتاب قم؛
۲۸. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۴)، شیعیان پاکستان، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال اول، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان، صص ۱۹۷-۲۱۱؛
۲۹. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۵)، شیعیان پاکستان، قم، انتشارات شیعه‌شناسی؛
۳۰. غفرانی، پیروز (۱۳۸۷)، پاکستان، گذشته، حال آینده؛ ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ج ۲۲، ش ۲۱۷، صص ۱۷-۲۳؛

۳۱. فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵)، علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)، علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱۱۱-۱۲۳؛
۳۲. فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۸)، ایدئولوژی تشیع، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۷-۶۶؛
۳۳. فرید، یدالله (۱۳۷۹)، شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، چاپ اول، اهر، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اهر؛
۳۴. فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۷۶)، پاکستان (کتاب سبز)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، انتشارات وزارت خارجه، تهران؛
۳۵. فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا؛
۳۶. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۷)، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، چاپ پنجم، تهران، نشر نی؛
۳۷. کسرای، محمدسالار (۱۳۸۹)، انقلاب: تحول مفهومی یک واژه، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۳۳؛
۳۸. محمدی، علی (۱۳۸۹)، کتاب آسیا (۵) ویژه مسائل پاکستان، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر؛
۳۹. محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم، دفتر نشر و پخش معارف؛
۴۰. محمدی، منوچهر (۱۳۸۱)، بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
۴۱. ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۶)، سلفی‌گری در پاکستان؛ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام؛ سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۶۹-۸۷؛
۴۲. ملکوتیان، مصطفی، عبداللهی، حسن، تقوی نژاد، سید مجتبی (۱۳۸۸)، تحلیل سازه‌انگاران تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آمریکای لاتین، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره چهارم، صص ۱-۲۴؛
۴۳. نظیف کار، غزاله و نوروزی، حسین (۱۳۸۲)، برآورد استراتژیک پاکستان، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر؛
۴۴. نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۰)، تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۲۳۹-۲۷۶؛
۴۵. هادیان، حمید (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی جریان‌های اسلامی افراط‌گرا در پاکستان (بعد از ضیاءالحق)،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، استاد راهنما دکتر غلامرضا ظریفیان، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران؛

۴۶. یزدانی، عنایت‌الله؛ اخجسته، جمیل (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی «صدور انقلاب» در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۵۹-۸۶؛

47. Esposito, J. L., (1999), *The Iranian Revolution: Its Global Impact*, Florida, University Press of Florida;
48. Foran, J. (1997a), *The comparative-Historical sociology of third world social revolutions, Theorizing revolutions*. Edited by John Foran, London and New York: Routledge;
49. Foran, J., (1997b), *Discourses and social forces: The role of culture and cultural studies in understanding revolutions*, J. Foran (ed) *Theorizing revolutions*, London and New York: Routledge;
50. Hussain, M., (1990), *Pakistan politics: The Zia years*, Lahore: Progressive publications;
51. Javid Burki, S. (1991) *Pakistan: the continuing search for nationhood*, second edition Colorado, west view press;
52. Kennedy, C. H. (editor) (1993), *Pakistan: 1992*, Boulder, Sanfransisco, oxford: west view press;
53. Malik, I.H. (2002), *Religion minorities in Pakistan*. Minority Rights Group International. pages 1-8. Retrived from criticalppp.com;
54. Najib shafigh, M. (2010), *Do education and income affect support for democracy in Muslim countries? Evidence from the pew global attitude projects*. *Economics of education Review*, Volume 29, Issue 3, Pages 461-469. doi: 10.1016/j.econedurev.2009.05.001;
55. Qureshi, S. (1980), *Islam and development: The Zia regime in Pakistan*. *World Development*, Volume 8, Issues 7-8, Pages 563-575;
56. Saigol, R. (2005), *Enemies within and enemies without: the besieged self in Pakistani textbooks*. *Futures*, Volume 37, Issue 9, Pages 1005-1035. Doi: 10.1016/j.futures.2005.01.014.